

نقش محیط و معیشت در شکل‌گیری خانه‌های بومی منطقه تالش

محمد محمدزاده دوگانه - دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران
حسین سلطان زاده* - دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
جواد شکاری نیری - استادیار گروه مرمت و احیای بناهای تاریخی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین الملل امام خمینی، قزوین، ایران
تیمور آمار - دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۰

چکیده

مقدمه: بررسی نقش محیط و بوم در شکل‌گیری خانه‌های بومی منطقه تالش موضوع این تحقیق می‌باشد، اهمیت این موضوع به این سبب است که به نظر می‌رسد هنوز تحقیق کافی در مورد معماری این منطقه صورت نگرفته است.

هدف: هدف این پژوهش شناخت چگونگی تاثیر محیط و معیشت در معماری خانه‌ها است. پرسش اصلی این تحقیق این است که نقش عوامل محیطی و نوع معیشت در شکل‌گیری خانه‌های این منطقه چه بوده است؟

روش‌شناسی تحقیق: از روش تحقیق توصیفی و تحلیلی استفاده شده است و گردآوری داده‌ها به صورت میدانی و اسنادی بوده است. متغیر مستقل پژوهش، محیط و شیوه‌های معیشت و متغیر وابسته آن معماری خانه‌های بومی تالش می‌باشد. جامعه آماری تحقیق منطقه تالش و روش نمونه برداری سهمیه‌ای است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: منطقه شامل شهرستان‌های آستارا، تالش، ماسال، رضوانشهر و بخش‌هایی از شهرهای شفت، فومن و صومعه سرا در غرب استان گیلان مانند ماسوله، ماکلوان، گشت، امام زاده ابراهیم... و بخش‌هایی از شهرهای نمین و خلخال در استان اردبیل و شهرهای آستارا، لنکران، ماسالی، جلیل‌آباد، لریک، یاردیملی و سالیان در جمهوری آذربایجان است

یافته‌ها و بحث: نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تنوع فضاها، ایوان، تالار باز و فضاها متخلخل لایه بیرونی برای نفوذ هوا به داخل، از ویژگی‌های خانه‌های جلگه است اما در کوهپایه و کوهستان چنین نیست. تعداد فضاهای خدماتی بیرون بنای اصلی در حوزه کوهپایه به ترتیب بیشتر از جلگه و کوهستان ولی گستردگی و مساحت آن‌ها در محوطه خانه‌های جلگه بیشتر از کوهپایه و کوهستان است. میانگین مساحت طبقه همکف به کل در خانه‌های جلگه به ترتیب بیشتر از کوهستان و کوهپایه ولی میانگین مساحت ایوان در همکف و فضاهای طبقه اول در جلگه به ترتیب بیشتر از کوهپایه و کوهستان و میانگین مساحت فضاهای دامی و انبار در کوهستان به ترتیب از جلگه و کوهپایه بیشتر است.

واژه‌های کلیدی: محیط و معماری، معماری بومی، اثر معیشت بر خانه، خانه‌های بومی تالش

نحوه استناد به مقاله:

محمدزاده دوگانه، محمد، سلطان زاده، حسین، شکاری نیری، جواد و آمار، تیمور. (۱۴۰۰). بررسی آثار و پیامدهای اقامتگاه‌های بوم‌گردی بر جوامع روستایی (مطالعه موردی: روستاهای کنگ و درخت سپیدار استان خراسان رضوی). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۶(۴)، ۷۶۱-۷۷۷.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.25385968.1400.16.4.2.1>

مقدمه

ارتباط متقابل انسان با محیط، موضوعی است که در قرن اخیر بسیار مورد توجه پژوهشگران علوم مختلف قرار گرفته است. پیش زمینه‌های تاریخی- فرهنگی و مناسبات اجتماعی- اقتصادی همواره در چارچوب وضعیت محیطی قادر به شکل دهی سکونتگاه‌های انسانی و بومی بوده‌اند. آنچه به عنوان معماری بومی امروز شناخته می‌شود در طول قرن‌ها تحت تاثیر شرایط محیطی، الگوی معیشت و فعالیت خانواده‌ها و از سوی دیگر شاخص‌ها و عوامل فرهنگی شکل گرفته است و به آن مواردی اضافه یا کاسته شده و به تدریج تحول یافته است. در سال‌های اخیر به دلیل رشد فزاینده نوسازی و به تبع آن تخریب و ترمیم بناهای روستایی، شاهد تغییر در بافت و سیمای مناطق بومی کشور هستیم، به گونه‌ای که به سختی می‌توان بناهایی را پیدا نمود که معماری گذشته و اصالت خود را حفظ کرده باشند و حتی با محیط و فرهنگ آن منطقه نیز در تضاد هستند، از این رو ضرورت وجود دارد که ویژگی‌ها و مولفه‌های اصلی اثر گذار در خانه‌های بومی مناطق مختلف را شناسایی و بررسی نموده تا از موارد سودمند آن‌ها در خلق بناهای جدید استفاده شود.

موضوع این تحقیق بررسی روابط میان عوامل مهم و موثر در شکل‌گیری معماری بومی بویژه دو عامل "محیط" و "معیشت" با زیر شاخه‌های آن‌ها مانند اقلیم، موقعیت جغرافیایی، مصالح طبیعی، فعالیت‌ها، شیوه‌های زندگی و معیشت و نحوه تاثیر گذاری آن‌ها در پیکره بندی فضایی و کالبدی خانه‌های بومی در منطقه تالش است. این خانه‌ها از نظر نحوه ساختن و سازمان بندی، احترام به طبیعت (نحوه استقرار بر اساس توپوگرافی منطقه و شکل‌گیری بافت و استفاده از مصالح ساختمانی بوم آورد)، طیف فضاهای خدماتی و ضمائم مکانی با توجه به نوع معیشت، چیدمان و توزیع فضاهای خانه در عرصه‌های باز، نیمه باز و بسته و ارتباط آن‌ها باهم، موقت و دائمی بودن، مورد بررسی قرار گرفته است و بر اساس آن، تفاوت‌ها و شباهت‌های الگویی فضایی و کالبدی آنها در سه نوع سازمان بندی مکانی این منطقه یعنی خرده اقلیم‌های جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی مورد شناسایی قرار گرفته است. محیط و شیوه معیشت، متغیرهای مستقل هستند که تاثیر آن‌ها در شکل‌گیری مسکن بومی به عنوان متغیر وابسته در منطقه تالش مورد بررسی قرار گرفته است و شامل محوطه خانه نیز می‌باشد. پرسش‌های این تحقیق عبارتند از:

- ۱) چه شیوه‌های متفاوت معیشتی و چه عناصر ویژه معماری در منطقه تالش وجود دارد؟
 - ۲) شیوه‌های متفاوت معیشت و زندگی چگونه موجب تفاوت در شکل‌الگوهای مسکن بومی در منطقه تالش شده است؟
- در زمینه پیشینه تحقیق می‌توان چنین اشاره کرد که تاکنون تحقیقات دامنه دار فراوانی درباره سکونت‌گاه‌های بومی شمال ایران در قالب رویکرد‌های مختلف صورت گرفته است و لیکن مطالعات شفاف و منسجمی پیرامون این سکونت‌گاه‌ها در منطقه تالش که بخش عمده آن مربوط به غرب گیلان است، صورت نگرفته است که بطور خلاصه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌گردد. ذوالفقارزاده و حصاری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "نظریه بوم‌شناسانه به معماری زیستگاه‌ها" نشان می‌دهند که بوم و سنت در کنار هم و با توجه به زمان، معماری بومی و سنتی را بوجود می‌آورند (Zolfagharzadeh & Hesari, 2014). راهب (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "گونه‌شناسی پهنه‌های شکل‌گیری مسکن در سکونتگاه‌های روستایی ایران در تعامل با عوامل محیطی" به دنبال ارائه حوزه بندی جغرافیایی (پهنه بندی مکانی) در سطح کشور، به منظور شناسایی پهنه‌هایی است که در آن گونه‌های همسان مسکن روستایی استقرار یافته‌اند (Raheb, 2014). پیرزاد و ریاحی مقدم (۱۳۹۶)، رابطه میان بوم‌گرایی معماری با اقتصاد روستایی و تاثیرات متقابل آن‌ها بر یکدیگر را در مقاله‌ای با عنوان "بررسی رابطه بوم‌گرایی در معماری روستایی با اقتصاد روستایی (نواحی معتدل و مرطوب و نواحی گرم و خشک)" ارائه می‌دهند (Pirzad & Riahi Moghadam, 2017). مقالات حسین سلطان زاده در زمینه نقش جغرافیا و فرهنگ در شکل‌گیری خانه‌های سنتی و بومی در ایران شامل: "نقش جغرافیا در شکل‌گیری انواع حیاط در خانه‌های سنتی ایران" و "نقش جغرافیا و فرهنگ در شکل‌گیری بام در واحد‌های مسکونی"، تاثیر عوامل فرهنگی و جغرافیایی را در شکل‌گیری اجزای این خانه‌ها، مورد بررسی قرار داده و آنها را از جنبه چگونگی ترکیب ساختمان با فضای باز تقسیم بندی می‌کند (Soltanzadeh, 2011 & 2014). ورمقانی و همکاران (۱۳۹۴) با بررسی تطبیقی مسکن بومی در گیلان و مازندران (Varmaghani et al, 2015)، تاثیر جغرافیای انسانی و نوع فعالیت‌های معیشتی را بر شکل کلی الگوهای مسکن و ریز فضاهای آن‌ها بررسی نمودند و همچنین در مقاله‌ای دیگر (۱۳۹۵) با تطبیق خانه‌های قاجاری در گیلان و بوشهر، نقش جنسیت و فرهنگ معیشتی را در شکل‌گیری آن‌ها مورد مطالعه قرار

دادند (Varmaghani & Soltanzadeh, 2016). خاکپور پژوهش‌های زیادی را در زمینه معماری بومی و گونه‌های مختلف آن در گیلان انجام داده است که برخی از آن‌ها شامل: "مسکن بومی در جوامع روستایی گیلان"، "ساخت خانه‌های شیکیلی در گیلان" و "بررسی تاثیر فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان (با تاکید بر نقش زنان)" است (Khakpour, 2012 & 2006 & 2005). گرجی مهلبانی و دانشور (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان "تاثیر اقلیم بر شکل‌گیری عناصر معماری سنتی گیلان" به شرح اصول و الگوی معماری بناهای مسکونی گیلان با توجه به شرایط اقلیمی خاص منطقه می‌پردازند و تصویری کلی از معماری گیلان را ارائه می‌دهند (Gorji & Daneshvar, 2010). پور لمر (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان "گونه‌شناسی خانه‌های سنتی شهرستان تالش (روستای خاله سرا ۵۷)" به بررسی وضع موجود و سپس عناصر کالبدی و فضاها موجود در بناهای این روستا در منطقه تالش مرکزی پرداخته و به طور کلی به سه الگوی خانه‌های کرسی بلند، تلاردار و غلام‌گردشی می‌رسد (Pour lomer, 2015). سلیمی موید (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی مردم‌شناختی مسکن موقت مریان و روستاهای مجاور آن (نمونه مطالعه شده: پوری)" به فنون و روش‌های احداث مسکن موقت موسوم به «پوری» در مناطق کوهستانی تالش مرکزی پرداخته و در کنار آن موضوعات تاثیر گذار در احداث پوری مانند ارتباط فضاها با جنسیت، مراتب اجتماعی، و زمان استفاده را نیز مورد بررسی قرار داده است (Salimi Moaied, 2015). طالبی رستمی (۲۰۱۲) در رساله خود با عنوان "نور، باد و سایه‌ها، معماری بومی شکننده در امامزاده ابراهیم شفت" به ارتباط میان الگوهای فرهنگ محلی، زندگی اجتماعی و درک ارزش‌های معماری این روستا در منطقه کوهستانی جنوب تالش با ساختمان‌های چوبی چند طبقه و معماری منحصر به فرد آن که به صورت سنتی و فصلی توسط زائران استفاده می‌شود، پرداخته است (Talebi Rostami, 2012) و عمادی و همکاران نیز در مقاله "تجزیه و تحلیل معماری پایدار در یک روستای پله‌ای (ماسوله)"، همین ارتباط و نوع فضاها و الگوها را در روستای ماسوله مورد بررسی قرار دادند (Emadi et al, 2013).

در زمینه مبانی نظری به اختصار می‌توان چنین اشاره کرد که پارادایم پیشنهادی جوامع بومی دارای سه وظیفه اصلی دستیابی به زندگی با کیفیت، ایجاد مکان‌های مناسب و پاسخگو بودن محیط است (Abdel-Azim & Abdul-Aziz Osman, 2018). شناخت محیط و معماری تنها با درک فعالیت‌های انسان در دنیای پیرامونش امکان‌پذیر است و هدف معماری را می‌توان ایجاد انگاره‌های انسانی در درون شکل کالبدی دانست (Rabovbi, 1983:57) که به بهترین شکل در معماری بومی بازتاب یافته است. روش‌های طراحی مختلف مربوط به بهبود شرایط آسایش حرارتی، در ذات خانه‌های بومی وجود دارد (Oikonomou & Bougiatioti, 2011; Sozen & Gedik, 2007; Saljoughinejad & Sharifabad, 2015; Vissilia, 2009). بنابراین چنین خانه‌هایی باید به عنوان الگوهای مناسب برای معماری مدرن (Mazraeh & Pazhouhanfar, 2018) و همچنین در جهت توسعه گردشگری پایدار روستایی، مورد توجه قرار گیرد (Molaei Hashjin & Hoseinnejad, 2012).

یکی از مسائل مهم در زیستگاه‌های جوامع انسانی که از اهمیت خاصی نیز برخوردار می‌باشد، نگرش به مسائل محیط و بوم آن سرزمین است. بوم را در حالت کلی می‌توان در سه دسته تقسیم‌بندی کرد که عبارتند از: ۱. عوامل انسانی (فرهنگی و اجتماعی) ۲. عوامل اقلیمی ۳. عوامل و امکانات مادی (در دسترس بودن مواد و مصالح طبیعی و روش‌های ساخت و ساز) و در حالت جزئی آن می‌توان به دسته‌بندی آن بر اساس دین و اعتقادات، زبان و نژاد و از همه مهمتر تقسیم‌بندی مناطق بر مبنای اقلیم و موقعیت جغرافیایی اشاره نمود که از مهم‌ترین مسائل دسته‌بندی معماری نیز محسوب می‌شود. "سکونتگاه‌های محلی بسته به شرایط اقلیمی، توپوگرافی، زمین‌شناسی و ... شکل می‌گیرند؛ به طوری که در بین عوامل طبیعی، عامل اقلیم، پیچیده‌ترین نقش را در نواحی مختلف ایران داشته است" (Zayyari, 2010). معماری به زبان بومی، مهارت‌های طراحی را که ریشه در دانش بومی دارند، برای بسط معماری مردمی به کار می‌گیرد (Madavipour & Jafari, 2012). از آنجا که مسکن، فضای خصوصی زندگی انسانهاست؛ از این رو، توجه به شرایط آسایش و آرامش در این فضاها، همچنین، اقتصادی بودن راه‌های دستیابی به موارد مذکور، بسیار حائز اهمیت می‌باشد (Pirzad & Riahi Moghadam, 2017). "خانه‌های مسکونی سازگار با شرایط اقلیمی و آسایش به عنوان الگوی مناسب معماری در طول زمان، توسط معماران سنتی تکرار شده‌اند. همین تسلسل زمانی الگوهای پذیرفته شده، موجب شده است که معماری بومی دارای شکل، بافت، حجم و مصالح منطقی سازگار با اقلیم و شرایط جوی باشد" (Hashemnejad & Molanaei, 2008).

روش پژوهش

در این پژوهش از چند روش تحقیق بصورت آمیخته استفاده شده است. نخست از روش توصیفی، تحلیلی برای شناسایی عناصر فضا و ارتباط آن‌ها با هم بهره گرفته شده و سپس با استفاده از روش تحقیق تطبیقی نمونه‌ها با هم مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. متغیر مستقل این تحقیق عبارتست از محیط و شیوه معیشت و معماری خانه‌های بومی، متغیر وابسته تحقیق می‌باشد. جامعه آماری تحقیق منطقه تالش است و روش نمونه برداری بر پایه سه منطقه جغرافیایی بوده است و نمونه‌ها بصورت طبقه بندی شده (گزینشی) انتخاب شده‌اند. از سوی دیگر شناسایی تفاوت‌های اقلیمی و تعیین پهنه‌های جغرافیایی در منطقه تالش با توجه به نقش تعیین کننده آن در شکل‌گیری ویژگی‌های معماری بومی از ضروریات انجام این تحقیق است. بنابراین سه پهنه اقلیمی با در نظر گرفتن اطلاعات جغرافیایی و با استناد به اطلاعات محلی گردآوری شده، برای این منطقه قابل تشخیص است. این پهنه‌ها از نظر ارتفاع از سطح دریا، توپوگرافی، پوشش گیاهی و نوع محصولات زراعی متفاوت بوده و عبارتند از: پهنه جلگه ای، پهنه کوهپایه ای و پهنه کوهستانی. در تحقیق حاضر نمونه‌های مسکن بومی در روستاهای سه حوزه مذکور (در بند آستارا، چوبر و خلیفه آباد تالش، پره سر رضوانشهر، شالما شفت و گشت فومن در پهنه جلگه ای، چلوند آستارا، نمندان تالش، نیلاش و دران شاندرمن، شالماکوه ماسال، تیان صومعه سرا، کیش رودبار، ماسوله رودخان و ماکلوان فومن در پهنه کوهپایه ای، حیران و شیرین حیاطی آستارا، طالقان و امامزاده ابراهیم شفت، ماسوله فومن، ناو اسالم، کوهستان بالا، مریان و شیله وشت تالش در پهنه کوهستانی) شکل (۱)، با بهره‌گیری از مطالعات میدانی و اسنادی، بررسی و با یکدیگر مقایسه شده است و در نهایت یافته‌های حاصل با استفاده از روش مطالعه تطبیقی مورد تحلیل قرار گرفتند و نتایج در قالب جداولی که سلسله مراتب تاثیر محیط و معیشت بر شکل خانه را در منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهند، ارائه شد.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

منطقه قومی تالش شامل پاره مشخصی از سرزمین‌های جنوب غربی دریای کاسپین است که از رود کورا و ارس تا سفید رود را در بر می‌گیرد. این منطقه از نظر موقعیت جغرافیایی متشکل از دو بخش کوهستانی، کم ارتفاع و مرتفع (رشته کوهی به طول ۳۰۰ کیلومتر که دنباله شمال غربی البرز بین بریدگی سفید رود تا دشت مغان) و جلگه ای (نیمه شرقی دشت مغان و جلگه لنکران و زمین‌های هموار بین دامنه کوه و دریای کاسپین) بوده است (Bazin, 2015:33 & Abdoli, 2014:3). شکل (۲) این منطقه شامل شهرستان‌های آستارا، تالش، ماسال، رضوانشهر و بخش‌هایی از شهرهای شفت، فومن و صومعه سرا در غرب استان گیلان مانند ماسوله، ماکلوان، گشت، امام زاده ابراهیم... و بخش‌هایی از شهرهای نمین و خلخال در استان اردبیل و شهرهای آستارا، لنکران، ماسالی، جلیل آباد، لریک، یاردیملی و سالیان در جمهوری آذربایجان است (Abdoli, 2014:13).



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی و محدوده قومی منطقه تالش



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی خانه‌های بومی مورد مطالعه

یافته‌ها و بحث

- شکل کلی مسکن بومی در منطقه تالش

اصالت ساختمان‌های روستایی گیلان از قیود ویژه مربوط به محیط زیست، فعالیت‌های تولیدی و آداب و رسوم زندگی ساکنان آن‌ها نشأت می‌گیرد و به نحو محسوسی متنوع است (Bromberger, 1991:4). بافت اغلب روستاهای تالش مانند اغلب روستاهای شمال ایران پراکنده بوده و در میان آنها فضاها و زمین‌های خالی به صورت دیم، باغ و یا کشتزار می‌باشد که مجموعه‌ای از آن‌ها "محلّه" را در یک روستا شکل می‌دهند البته در نواحی کوهپایه و کوهستانی نسبت به جلگه‌ای، فشردگی بیشتری در بافت دیده می‌شود. در خصوص عرصه بندی و تعیین قلمرو خصوصی و فضاهای نیمه عمومی واحد‌های مسکونی روستایی، به دلیل خویشاوندی و آشنایی افراد یک روستا با یکدیگر، سلسله مراتب دسترسی از معبر به مسکن دارای درجات مختلف نبوده و به وضوح مشخص نیست. همچنین مرز میان دو واحد مسکونی نیز قرار دادی بوده و بیشتر اوقات برای هر خانه حریم بصری محکم وجود ندارد و تداخل عرصه‌های خصوصی و عمومی مشاهده می‌شود (Khakpour, 2012:76) و هر خانه دارای محوطه با مجموعه‌ای از طیف عناصر خدماتی و متعلقات مکانی مانند باغچه، توتستان و انواع تاسیسات بهره‌برداری مربوط به کشاورزی و دامداری شامل کندوج، تلمبار، کوتی، طویله و محل نگهداری اردک و مرغ است که با دیواره‌ای شفاف، ساخته شده از شاخه‌های درختان یا دسته‌های نی با ارتفاع کم که به آن پَرچین (رَمَش یا چَپر) می‌گویند، محصور و حفاظت می‌شود و وجود آن‌ها اجتناب‌ناپذیر و بیشتر مربوط به فعالیت‌های معیشتی ساکنان منطقه است، این عناصر خدماتی به همراه خانه که مجموعه‌ای از اتاق‌ها با عملکردهای گوناگون و فصلی در یک یا دو طبقه به صورت تو در تو و مرتبط با هم از طریق ایوان (تَرَسَر) در طبقه همکف یا تالار (کُتّام) سر پوشیده در طبقه اول است، محدوده عرصه خصوصی را تعریف می‌کنند. جدول ۱ و ۲ طرح کلی نحوه گسترش فضاهای اصلی در سطح و ارتفاع، گونه‌های مسکن بومی است که الگوهای موجود در منطقه در یکی از رده بندی‌های آن و یا ترکیبی از آن قرار می‌گیرند و جدول ۳ معرفی فضاهای اصلی در یک نمونه کامل خانه در منطقه جلگه‌ای تالش است.

جدول ۱. انواع نحوه گسترش فضاهای اصلی در سطح، خرده اقلیم‌های منطقه تالش.

خرده اقلیم	نمک	تعداد ایوان / تالار (کُتّام)	طبقه	گسترش فضا
جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی (مساکن موقت مانند بوری و وِرد و دانم)		بدون ایوان	تک اتاق (سلول اولیه) یا ۲ اتاق	گسترش فضا
جلگه‌ای، کوهپایه‌ای (یک طرف ایوان)		با ایوان یک یا دو طرفه	تک اتاق یا بیشتر	سطح همکف

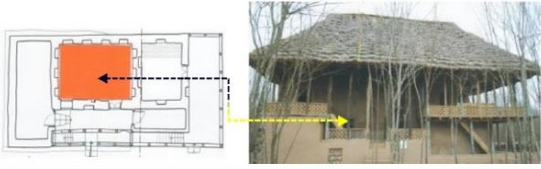
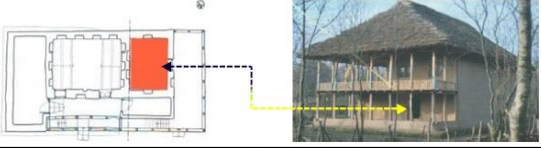
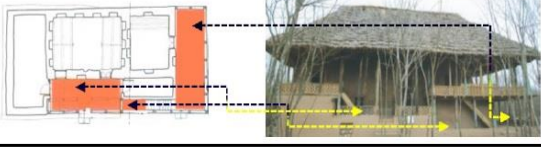
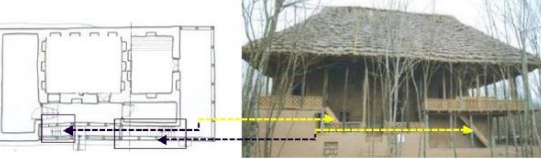
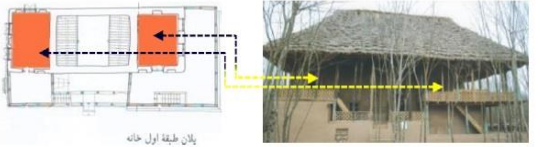
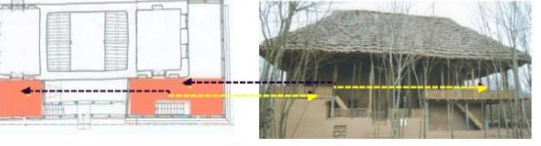
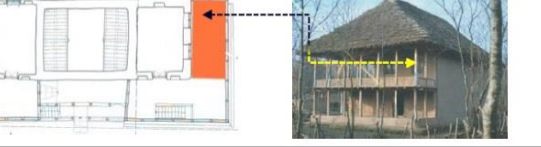
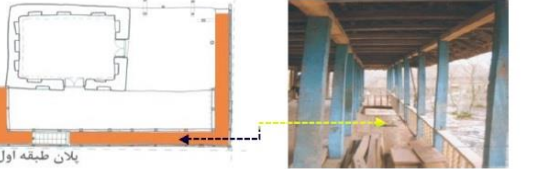
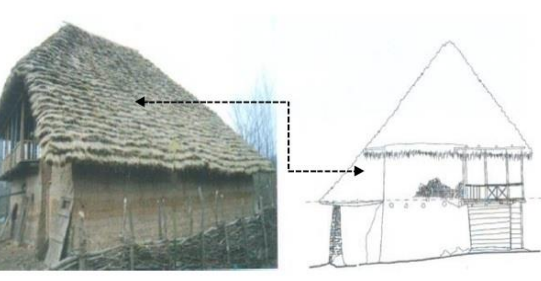
Source of Photos and maps: Guilan Rural Heritage Museum & An introduction to Iranian residential buildings (extrovert typologies) & Anthropology of Marian's Temporary Houses and its Neighboring Villages, Pori.

جدول ۲. انواع نحوه گسترش فضاهای اصلی در ارتفاع، خرده اقلیم های منطقه تالش

خرده اقلیم	شکل	تعداد ایوان / تالار (کتام)	طبقه	گسترش فضا	
جلگه ای ، کوهپایه ای و کوهستانی (بیشتر جلوی ایوان در طبقه همکف بسته)		بدون تالار (کتام) یا تالار با مساحت کم و استفاده از کتام (لیم) بصورت مستقل در محوطه بجای تالار	۱ یا بیشتر	نیم طبقه با طبقه همکف بسته (ایوان بسته) یا باز (ایوان باز)	ارتفاع
		در یک طرف بنا با تالار (کتام) یک تا دو طرفه			
		در دو طرف بنا بصورت قرینه یا غیر قرینه با تالار (کتام) یک تا دو طرفه			
		در دو طرف بنا بصورت قرینه یا غیر قرینه با تالار (کتام) یک تا دو طرفه			
		در دو طرف بنا بصورت قرینه یا غیر قرینه با تالار (کتام) یک تا دو طرفه			
کوهستانی (دائم) ماسوله		با تالار (کتام) یک تا چهار طرفه	۱ یا بیشتر	یک طبقه با طبقه همکف بسته (ایوان بسته) یا باز (ایوان باز)	ارتفاع
		در هر دو طبقه، فضاها بسته طبقه همکف ایوان بسته و طبقه اول بدون تالار یا تالار کوچک بیرون زده (پیش تالار)			

Source of Photos and maps: Guilan Rural Heritage Museum & An introduction to Iranian residential buildings (extrovert typologies) & Sustainable Architecture Analyses of Stepped Village, Case Study: Masouleh.

جدول ۳. فضاهای اصلی در یک نمونه کامل خانه در منطقه جلگه ای تالش (خانه موسی زاده، تالش، اسالم)

نام فضا	توضیحات	موقعیت قرارگیری در پلان و نما
دود اتاق پُل که دوا که	اتاق اصلی خانه در طبقه همکف یا نیم طبقه خانه در فصول سرد سال که جهت دودی کردن جوی برنج نیز از آن استفاده می شود.	
پایین اتاق (اتاق زمستانی) چیرین	اتاقی در طبقه همکف، کنار اتاق دودخانه که محل زندگی ساکنان در زمستان و همچنین جهت استقرار کارگران فصلی مورد استفاده قرار می گیرد.	
ایوان اسبُو تَرَسِر کُرسِر	ایوان مسقفی است که فضای ارتباطی اتاق ها را فراهم می کند و در طبقه همکف یا کرسی قرار دارد.	
سِرِدِه (پلکان)	پلکان دسترسی در نمای اصلی خانه که طبقه همکف یا کرسی را به طبقه اول متصل می کند و در بعضی مواقع دارای درب بر بالای آن است.	
بالا اتاق (اتاق تابستانی) بالاخانه تالار اتاقی	اتاقی در طبقه اول خانه که بیشتر در فصول گرم سال به عنوان فضای نشیمن یا پذیرایی از مهمانان استفاده می شود.	
تالار - کُوتوم کُتام	ایوان مسقف در طبقه اول خانه به طول نمای اصلی بنا که محل عمده ایی از عملکردهای خانه همچون نشیمن، پذیرایی و ... خصوصا در فصول گرم سال است.	
ور تالار ور کُوتوم ور کُتام	ایوان مسقف در طبقه اول خانه که در نمای کناری (اغلب نمای شرقی) بنا که محل عمده ایی از عملکردهای خانه همچون نشیمن، اتاق خواب و ... خصوصا در فصول گرم سال است.	
هَرِه غلام گرد	فضایی است که بین دو ردیف ستون (آدار) در جلوی ایوان های طبقه اول خانه (تالار یا کتام) ایجاد می شود. دارای عملکردهایی مانند محافظت دیوار در برابر باران و تابش مستقیم آفتاب و ایجاد جریان هوا و نسیم تابستانی در اطراف بنا می باشد.	
فاکون	فضای دوزنقه ای یا مثلثی شکل ناشی از پیش آمدگی بام در ضلع غربی بنا که برای حفاظت دیوار از کج باران و جلوگیری از نفوذ باد های مزاحم و همچنین به عنوان انبار مواد غذایی و لوازم منزل و انجام برخی فعالیت های درجه پایین روز در فصل زمستان مورد استفاده قرار می گیرد و در تابستان، مکانی برای تبدیل برخی محصولات زراعی و باغی و یا آماده سازی برای استفاده و یا عرضه به بازار است.	

Source of Photos and maps: Mousa Zadeh house, Gilan Rural Heritage Museum.

– تاثیر شیوه معیشت و فعالیت های اقتصادی بر مسکن بومی

زنجیره بوم، اقتصاد روستایی، تولید، تبدیل و انبار محصولات کشاورزی و دامداری در معماری روستایی و قرار گیری عناصر انبار و طویله و تنور در مسکن روستایی، یک زنجیره ناگسستگی بوده که اشکال مختلفی در هر منطقه داشته است (Pirzad & Riahi, 2017). شرایط جغرافیایی هر منطقه، امکانات اقتصادی ویژه ایی را برای امرار معاش ساکنان آن مهیا می سازد. بر این اساس، در نقاط جغرافیایی مختلف، به تبع انواع نحوه معیشت، در الگوهای مسکن نیز تفاوت وجود دارد تا پاسخگوی نیاز های رفتاری افراد در ارتباط با کارشان باشد. شیوه های معیشت در منطقه تالش بدلیل امکانات آبیاری، نوع توپوگرافی و ارتفاع و در نتیجه قرارگیری در یکی از سه حوزه جلگه ای، کوهپایه ای و کوهستانی، متفاوت است و اغلب مردمی ترکیبی از چندین فعالیت کشاورزی یا دامپروری و خدماتی را برای تامین زندگی بر می گزینند اما فعالیت اصلی خانوار، فعالیتی است که بیشترین درآمد را کسب می کند. عناصر خدماتی خانه یعنی فضاهایی که فعالیت های اصلی زندگی ساکنان در آن صورت نمی پذیرد مانند طویله، تلمبار، کندوج و... در فرم و ابعاد ویژه ای در محوطه آن شکل گرفته است و "ماهیت، شمار و وسعت و ابعاد این بناهای فرعی بر حسب فعالیت های تولیدی و تمکن مالی روستائیان فرق می کند" (Bromberger, 1991:43). جدول (۴).

در مناطق جلگه ایی که شالی کاری (برنج کاری) به عنوان فعالیت اصلی به شمار می آید، در نظر گرفتن فضاهایی برای انبار کردن برنج مانند کوتی، گروج و کندوج در محوطه ضروری به نظر می رسد. دامداری هم در نزد برنجکاران تالش به عنوان معیشت جانبی دارای اهمیت است و اغلب یک یا چند راس دام (احشام بزرگ) برای تامین نیاز های افراد خانواده دیده می شود که عناصری مانند طویله را در محوطه، در صورت قرار نگرفتن آن در فضاهای اصلی خانه، توجیه می کند. در مناطق جلگه ای نزدیک به ساحل، در نظر گرفتن مکانی در محوطه برای قرار گیری ادوات صید، قایق و نمک سود کردن و دودی کردن ماهیانی که به صورت تازه روانه بازار نمی شوند، برای شغل ماهیگیری متداول است.

در مناطق کوهپایه ای شغل مسلط ساکنان، باغداری یعنی باغ های میوه، صیفی کاری و کشت درختان صنعتی است که البته در کنار آن برنجکاری در جلگه و کشت های دیمی تخصصی مانند توتون، چای و بخصوص توت جهت نوغانداری و کشت غلات به میزان کم و دامداری احشام بزرگ در کوهپایه با ارتفاع کم و احشام کوچک (گوسفند) و زنبورداری در ارتفاعات بالاتر از مشاغل عمده مردم است که بنا بر نوع محصولات باغی و...، فضاها و عناصر خدماتی برای قرار گیری لوازم و گاه تبدیل محصولات برداشت شده به محصولات قابل عرضه به بازار مانند "گرمخانه" برای خشک کردن اولیه برگ های توتون و "تلمبار" برای نوغانداری (پرورش کرم ابریشم) و... لازم است. از فضاهای خدماتی مبتنی بر معیشت که مشترک میان دو حوزه جلگه و کوهپایه پایین است می توان به "توماجور" (توم بیجار یا خزانه مزرعه نشاء) که معمولاً قسمتی از برنجرار است و بوسیله چپر یا پشته ایی بلندتر از آن، جدا می گردد در صورتیکه در مناطق کوهپایه شمال تالش (بین اسالم و کرگانرود)، قسمتی از محوطه خانه، نزدیک چاه آب و یا جوی آب قرار دارد و از آن آبیاری می شود و همچنین "گرگه لونه" فضای نگهداری مرغ ها و ماکیان، "تنور یا تندیر" اجاق نان پزی در زیر یک سقف پوشیده یا اتاق بسته به عنوان آشپزخانه تابستانی و "کوتام یا لم"، وقتی در خانه تالار یا کُتام وجود ندارد و یا این که بسیار کوچک است بعنوان استراحتگاه تابستانی، اشاره کرد. در حیاط همه خانه های جلگه یک چاه آب آشامیدنی و در کوهپایه، چشمه هم وجود دارد و مکان هایی هم برای فعالیت های مربوط به صنایع خانگی و دستی در نظر گرفته می شود.

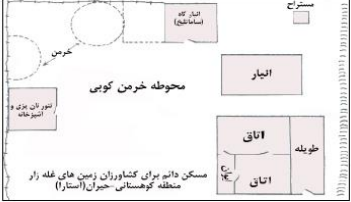
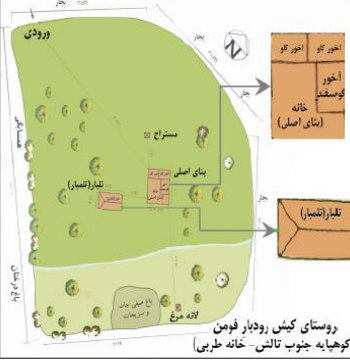
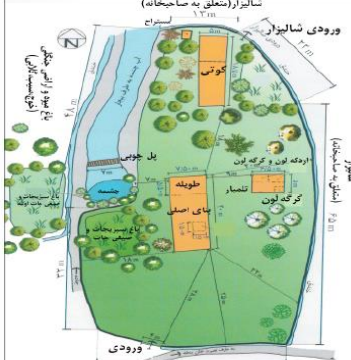

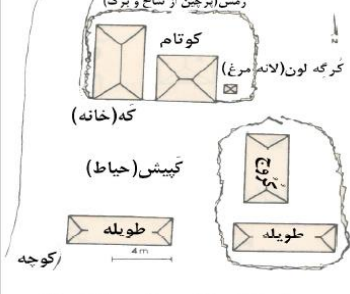

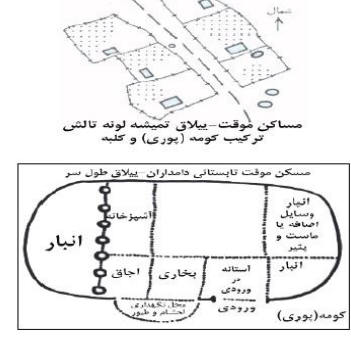
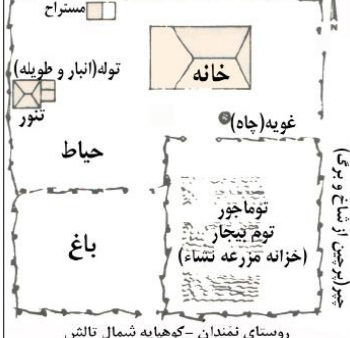

در مناطق کوهستانی، دامداری فعالیت اصلی ساکنان آن و جدا سازی اجتماعی – شغلی آنان، بر اساس دارا بودن احشام بزرگ و کوچک است. زنبورداری و کشت دیمی غلات نیز در آن محدود است. عواملی که باعث تفاوت خانه های دائم ساکنان این مناطق با جلگه و کوهپایه می گردد، از یک طرف مقام مهمتر دامداری با فضای مخصوص بیشتر برای حیوانات هم در سطح زمین و هم در ارتفاع ساختمان (زیر شیروانی برای احشام کوچک، استفاده در مدت زمان محدود) و از سوی دیگر کاهش تعداد ضمام خانه در بیرون از ساختمان اصلی شامل یک تنور نان پزی و انبار کاه (سنبُلون، سامانلیخ) و یا گاهاً یک طویله (وانه یا وونه) بصورت ساختمانی جداگانه است و نسبت به جلگه و کوهپایه کم ارتفاع دارای بافتی فشرده تر است. ساکنان این مناطق را براساس نوع سکونت و شغل به سه گروه ۱. "چوپان یا چوبان" که کوچ رو و دارای مسکن موقت (پوری و...) و دائم (خانه – طویله) هستند. ۲. "گالش یا داغچی" که به دامداری و نیز کشاورزی در مقیاس اندک اشتغال دارند و تمام سال را در طبقات پایین کوهستان به سر می برند و ۳. "تولش" برنج کارانی که از بیلاقات، به عنوان استراحتگاه تابستانی بهره می گیرند، طبقه بندی می کنند (Salimi Moaiied, 2015). (جدول ۵).

جدول ۴. انواع فضاهای خدماتی و ضمائم مکانی محوطه خانه تحت تاثیر شیوه‌های معیشت در منطقه تالش

خرده اقلیم			توضیحات	شکل	نام فضا
کوهستانی	کوهپایه ای	جلگه ای			
	✓	✓	فضاهایی برای انبار کردن برنج که بر روی ستون و بلندتر از سطح زمین قرار دارند و بر دئووع چهارگوش و دایره ای هستند.		کوتی - کندوج
	✓	✓	فضاهایی برای انبار کردن برنج و نگهداری موقت محصول واقع در سطح زمین که ساختمان ساده تری، منطبق با شرایط ممکن مالی ساکنان منطقه دارند.		گروج (کبریج)
	✓	✓	ایوان مستقل و استراحتگاه تابستانی در محوطه، وقتی در خانه تالار یا کُنام وجود ندارد و یا بسیار کوچک است. اصطلاح لیم در شمال تالش و آستارا (ایران - آذربایجان) متداول است.		کوتام (لیم)
	✓	✓	انبار در محوطه خانه برای پرورش کرم ابریشم که جای ممتازی را در محوطه خانه اشغال می کند.		تلمبار (تیلمبر)
✓	✓	✓	مکانی برای نگه داری دام و علوفه در حاشیه محوطه به صورت مستقل و یا جزئی از طبقه همکف خانه در جلگه و کوهپایه است و "وانه یا کولوم" که طبقه بالای آن با راه ورود شیبدار، محل نگهداری احشام کوچک در مناطق جنگلی کوهپایه (مسکن زمستانی دامداران مناطق کوهستانی) است.		طویله، خانه - طویله (وانه، وونه یا کولوم)
	✓	✓	فضای نگهداری مرغ ها و مایکان با استفاده از شاخ و برگ درختان که به صورت مستقل و یا جزئی از طبقه همکف خانه در جلگه است.		مرغدانی (کرگه لون و اردکه لون)
✓	✓		یک سقف پوشیده یا اتاق بسته در محوطه که به جای آشپزخانه تابستانی نیز به کار می رود تا از گرم شدن هوای درون خانه جلوگیری شود.		اجاق نان بزی (تنور یا تندیر)، آشپزخانه تابستانی
	✓		ساختمانی مخصوص برای خشک کردن برگ های توتون بطور مصنوعی یا سوزاندن چوب و یا گاهی استفاده از تلمبار بدون کف برای خشک کردن اولیه برگ های توتون.		گرمخانه
✓	✓		"خرمنه وره" در جلگه شمال منطقه تالش، ساختمانی مخصوص برای نگهداری دسته های شلتوک و سامانلیخ ساختمان ضمیمه مستقل در نواحی کوهپایه بالا و کوهستانی تالش که نشانه اهمیت سنتی کشت غلات در این نواحی است.		خرمنه وره، انبار کاه (سنبرلون)، سامانلیخ)
	✓		خزانه نشاء برنج (توماچور) در مناطق مرکزی تالش در درون محوطه خانه در کنار باغ صیفی جات و سبزیجات تعبیه می شود که خانه و ضمائم آن رو به توماچور (توم بیجار) قرار دارند.		توماچور (توم بیجار)، باغ صیفی جات و سبزیجات

Source of photos and maps: Guilan Rural Heritage Museum & Housing and architecture in the rural community of Gilan &TALESH, Ethnic Area in Northern Iran & Gilan and East Azarbaijan Anthropological maps and documents.

جدول ۵. تطبیق نحوه توزیع فضاهای خدماتی و ضمایم مکانی در محوطه و بنای اصلی خانه های بومی مورد مطالعه.

خرده اقلیم		
کوهستانی	کوهپایه ای	جلگه ای
 <p>مسکن دائم کوهستانی دامداران توری حیاطی- لوندویل استارز</p> <p>مسکن دائم کوهستانی - فشرده‌تری بیشتر و تعداد کمتر فضاهای خدماتی و ضمایم مکانی نسبت به کوهپایه.</p> <p>- افزایش فضای دامی (طوبه) بعنوان بخشی از بنای اصلی.</p>	 <p>روستای کیش رودبار فومن (کوهپایه جنوب تالش - خانه طوبی)</p> <p>- فشرده‌تری و نزدیکی بیشتر فضاهای خدماتی و ضمایم مکانی نسبت به جلگه.</p> <p>- فضای دامی (طوبه) بخشی از بنای اصلی و کُروچ (کندوج)، تلمبار و محل نگهداری طیور و باغ صیفی جات مستقل از آن.</p>	 <p>روستای گشت فومن - خانه محشم طلب</p> <p>- گسترده‌تری ضمایم و فضاهای خدماتی در محوطه.</p> <p>- فضای دامی (طوبه) بخشی از بنای اصلی و کوتی (کندوج)، تلمبار و محل نگهداری طیور و باغ صیفی جات مستقل از آن.</p>
 <p>مسکن دائم کوهستانی (مانسوله - امامزاده ابراهیم)</p>	 <p>روستای نیلاش شاندرمن - کله سرا (خانه باغ)</p> <p>- فشرده‌تری بیشتر فضاهای خدماتی و ضمایم نسبت به جلگه.</p> <p>- فضای دامی (طوبه) و کُروچ (کندوج). کوتام یا لیم و محل نگهداری طیور و باغ صیفی جات مستقل از آن.</p> <p>- ایجاد حیاط مشخص (خانه-حیاط)</p>	 <p>روستای خلیفه آباد تالش - خانه موسی زاده</p> <p>- گسترده‌تری ضمایم و فضاهای خدماتی در محوطه.</p> <p>- فضای دامی (طوبه) و کوتی (کندوج). کوتام یا لیم (در صورت وجود). انبار، تور و محل نگهداری طیور مستقل از بنای اصلی.</p>
 <p>مسکن موقت تابستانی دامداران - بیلاق طول سر</p> <p>کله (که)، مسکن تابستانی دامداران - بیلاق سوباتان مسکن موقت کوهستانی (انواع کومه ها و کله ها) - تمرکز فضاهای خدماتی و ضمایم مکانی در بنای اصلی.</p>	 <p>روستای نمندان - کوهپایه شمال تالش</p> <p>- فشرده‌تری بیشتر فضاهای خدماتی و ضمایم نسبت به جلگه.</p> <p>- فضای دامی (طوبه) و کُروچ (کندوج). کوتام یا لیم (در صورت وجود) و محل نگهداری طیور و باغ صیفی جات مستقل از آن.</p> <p>- ایجاد حیاط مشخص (خانه-حیاط).</p> <p>- خزانه مزرعه نشاء (توم بیچار) مستقل از شالیزار (در جلگه یا کوهپایه) در محوطه خانه.</p>	 <p>روستای شالما شفت - خانه موسی</p> <p>- گسترده‌تری ضمایم و فضاهای خدماتی در محوطه.</p> <p>- فضای دامی (طوبه) بخشی از بنای اصلی و کوتی (کندوج)، تلمبار و محل نگهداری طیور و باغ صیفی جات مستقل از آن.</p>

Source of Photos and maps: Gilan Rural Heritage Museum & Housing and architecture in the rural community of Gilan & TALESH, Ethnic Area in Northern Iran & Archives of Gilan Province Cultural Heritage Organization.

جدول ۶. تطبیق مساحت محوطه و فاصله بنای اصلی با ضمایم مکانی و فضاهای خدماتی در خانه های بومی مورد مطالعه.

فاصله ضمایم مکانی و فضاهای خدماتی تا بنای اصلی (متر طول بر مبنای نزدیکترین فاصله)									مساحت محوطه (مترمربع)	خانه های بومی
گرم خانه	اتبار سامانلیخ	تنور تندیر	لانه مرغ	طویله آخور	نلمبار نیلمبر	کوتام لیم	کروج کبریج	کوتی کندوج		
-	-	-	۱۶/۶۵	-	۹	-	-	۱۸	۲۹۸۵	خانه محتشم طلب (گشت فومن)
-	۸/۲۰	۱۳	۱۵/۵۰	۱۵/۵۰	-	-	-	۱۳/۵۰	۱۵۳۵	خانه موسی زاده (خلیفه آباد تالش)
-	-	۲۱/۵۰	۶/۶۰	۹/۵۰	-	-	۱۲	۱۳/۵۰	۱۴۴۵	خانه در پره سر رضوانشهر
-	-	-	۶	-	-	-	-	۱۲	۹۰۵	خانه موسوی (شالما شفت فومن)
-	-	-	۴	-	۱۱/۵۰	-	-	۵/۵۰	۷۱۲	خانه در چوبر تالش
-	۵/۵۰	-	-	۱۱	-	۶	-	-	۴۰۵	خانه در دربند آستارا
-	۶/۸۵	۱۷/۲۵	۹/۷۵	۱۲	۱۰/۲۵	۶	۱۲	۱۲/۵۰	-	میانگین فواصل ضمایم تا بنای اصلی
-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۳۳۱	میانگین مساحت محوطه خانه ها
-	-	-	۱۸	-	۷	-	-	-	۲۸۰۰	خانه طربی کیش رودبار فومن
-	۱۰	۱۲	-	۱۱	-	-	-	-	۱۲۸۰	خانه در نومندان لیسار
۱۳	-	-	-	-	-	۷	-	۳/۵۰	۵۹۹	خانه در شالماکوه ماسال
-	-	-	۵	۱۲	-	۱	۷/۵۰	-	۴۲۰	خانه در نیلاش شاندرمن
-	۷	۶	۶/۲۵	-	-	۷/۶۰	-	-	۳۰۵	خانه در چلوند لوندویل آستارا
۱۳	۸/۵۰	۹	۹/۷۵	۱۱/۵۰	۷	۵/۲۰	۷/۵۰	۳/۵۰	-	میانگین فواصل ضمایم تا بنای اصلی
-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۰۸۱	میانگین مساحت محوطه خانه ها
-	۴/۳۰	۱۱/۵۰	-	-	-	-	-	-	۴۳۵	مسکن دائم زمستانی (حیران آستارا)
-	۱	۳/۵۰	-	-	-	-	-	-	۵۷۲	مسکن دائم زمستانی (لوندویل آستارا)
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	مساکن دائم (ماسوله)
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	مساکن دائم (امامزاده ابراهیم)
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	مساکن موقت (بیلاقات تالش)
-	۲/۶۵	۷/۵۰	-	-	-	-	-	-	-	میانگین فواصل ضمایم تا بنای اصلی
-	-	-	-	-	-	-	-	-	۵۰۳/۵۰	میانگین مساحت محوطه خانه ها

چلیک

کوهپایه

کوهستان

Source of maps: Gilan Rural Heritage Museum & Housing and architecture in the rural community of Gilan & An introduction to Iranian residential buildings (extrovert typologies) & Anthropology of Marian's Temporary Houses and its Neighboring Villages, Case Study: Pori.& Fragile Vernacular Architecture in Imamzadeh Ibrahim, Shaft, Iran.

– چگونگی توزیع و تطبیق مساحت و فاصله فضاهای خدماتی و ضمائم مکانی در محوطه و بنای اصلی خانه های بومی

با تطبیق الگوهای سکونت در محوطه و بنای اصلی خانه های بومی خرده اقلیم های تالش مشاهده می گردد که تعداد ضمائم مکانی و فضاهای خدماتی بیرون از بنای اصلی طبق جدول ۴ در مناطق کوهپایه ای (ده مورد)، بیشتر از جلگه (شش مورد) و مناطق کوهستانی (سه مورد) است اما گستردگی آنها در محوطه، در مناطق جلگه ایی بیشتر از کوهپایه و در مسکن دائم کوهستانی فشرده‌گی و نزدیکی به بنای اصلی نسبت به کوهپایه بیشتر است بطوریکه در بعضی از مسکن دائم (ماسوله و امام زاده ابراهیم) و مسکن موقت کوهستانی (انواع کومه و کلبه) تمرکز این ضمائم در بنای اصلی است. فضاهای باز در محوطه مناطق جلگه ایی و بعضی از مناطق کوهپایه نزدیک به جلگه و کم ارتفاع بدلیل گستردگی آن، دارای محدوده منظم و مشخصی نبوده در صورتیکه در بخش های دیگر از کوهپایه تالش (نیلاش شاندرمن و نمدان لیسار) این فضاهای باز در محوطه بصورت یک حیاط مشخص خود را نشان می دهد که به این خانه ها، خانه – حیاط یا که سرا (خانه باغ) می گویند (جدول ۵).

میانگین مساحت محوطه و فاصله بنای اصلی با ضمائم مکانی و فضاهای خدماتی در خانه های بومی تالش در منطقه جلگه بیشتر از کوهپایه و در کوهپایه بیشتر از کوهستان است. برای اثبات این فرضیه بصورت کمی، متغیرها یعنی مساحت محوطه ها و فاصله بناهای اصلی با این ضمائم مکانی در خانه های بومی مورد مطالعه (۱۶ مورد)، جداگانه از روی نقشه ها محاسبه گردیده و مقادیر مربوطه در جدول (۶) گردآوری شدند که با تطبیق مقادیر میانگین این متغیرها در خرده اقلیم های منطقه، نتایج فوق بدست می آید.

– تطبیق نحوه سازماندهی و روابط میان فضاها در طبقات و مساحت آنها در بنای اصلی خانه های بومی

– طبقه همکف

در معماری بومی بیشتر مناطق تالش، ورودی بنا از محوطه (فضای باز) با چند پله به ایوان (فضای نیمه بسته در جلگه و کوهپایه کم ارتفاع و یا فضای بسته در کوهپایه مرتفع و کوهستان) که تعیین کننده جهت بنا و وظیفه دسترسی به دیگر فضاها را به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر عهده دارد. در منطقه جلگه، ایوان دارای کاربرد و وسعت بیشتری نسبت به کوهپایه و کوهستان است و دارای دسترسی مستقیم به انبار های مختلف و اتاق های زمستانی به ارتفاع یک یا یک و نیم طبقه است. راه ورود به فضاهای دامی (طویله) در خانه های جلگه، کوهپایه و کوهستان مربوط به کشاورزان کشت دیم با اهمیت دامداری از قسمت دیگری از محوطه است. در کوهپایه سازماندهی فضاها همانند جلگه است با این تفاوت که مساحت انبار و طویله در طبقه همکف به ترتیب بسیار کمتر از جلگه و کوهستان است و بیشتر فضاهای خدماتی در خارج از بنای اصلی قرار می گیرند.

در طبقه همکف مسکن دائم در کوهستان که به صورت تخصصی به دامداری اشتغال دارند، نسبت فضاهای دامی (احشام بزرگ و کوچک) به فضاهای انسانی بیشتر بوده و دارای ورودی مستقیم از محوطه به ایوان بسته و طویله است. در ماسوله و امام زاده ابراهیم نیز به دلیل فشرده‌گی بافت از شیب زمین برای ورودی به طبقات استفاده شده است با این تفاوت که در این مناطق از کوهستان تالش، خانه ها دارای کاربری بیشتر تجارتي و زیارتي هستند بطوریکه در ماسوله، طبقه همکف بیشتر تجارتي (مغازه و انبار) و در امام زاده ابراهیم، فضای زیست ساکنان است. در مسکن موقت کوهستان (بیلاقات) تمامی فضاهای مورد نیاز اعم از انواع انبار و فضاهای انسانی و دامی، همگی در یک سطح با مرز بندی مشخص در ساختار های موقت قرار گرفته است (جدول ۷).

– طبقه اول و بالاتر

در مناطق جلگه و کوهپایه و تا حدودی مسکن دائم کوهستانی تالش، فضاهای طبقه اول یا بالاتر شامل تالار و ورتالار و اتاق های تابستانی با دسترسی بیشتر از طریق تالار (باز یا نیمه بسته)، بر روی فضای دامی و انبار های طبقه همکف قرار دارند همچنین «فاکون» در بیشتر خانه های جلگه و کوهپایه با کاربرد های ویژه خود در جبهه های رو به باد زمستانی موجب عدم نفوذ کج باران شده و از فضای زیر آن در سطح زمین، بعنوان فضای دامی استفاده می شود. در مناطق کوهستانی تالار (نیمه بسته یا بسته) بدلیل ملاحظات اقلیمی با سطح و کاربرد کمتری مشاهده می شود. در گونه ایی از مسکن دائم ساکنان کوهستان مربوط به کشاورزان کشت دیم با اهمیت دامداری (کوهستان بالا تالش) علاوه بر نگهداری احشام بزرگ و کوچک در طبقه همکف به صورت جداگانه و

انبارگاه (سامانلیخ) در محوطه، انبار علوفه نیز در طبقه اول با دسترسی به فضای دامی زیر آن وجود دارد و در گونه‌ای دیگر که معیشت ساکنان آن به صورت تخصصی دامداری است (خانه- طویله یا ونه سرا) علاوه بر ورودی فضای انسانی و دامی از ایوان بسته در همکف، ورودی‌های دیگری نیز با استفاده از شیب زمین برای طبقات خانه حتی زیر شیروانی برای احشام کوچک در نظر گرفته شده است. در ماسوله فضای زیست ساکنان بیشتر در طبقه اول همراه با «تالار» بسته و «پیش تالار» بیرون زده و بالکن مانند با جداره چوبی است و در امام زاده ابراهیم طبقات بالاتر با سازه چوبی و سبک، نقش زائر سرا را ایفاء می‌کند (جدول ۷).

- تطبیق مساحت انواع فضاها در بناهای اصلی خانه‌های بومی

میانگین مساحت طبقه همکف به مساحت کل بنای اصلی در خانه‌های بومی منطقه در جلگه بیشتر از کوهستان و در کوهستان بیشتر از کوهپایه است ولی میانگین مساحت ایوان در همکف و فضاهای طبقه اول (تالار، ورتالار و اتاق‌های تابستانی) در جلگه بیشتر از کوهپایه و در کوهستان بیشتر از کوهپایه است. همچنین میانگین مساحت فضاهای دامی و انبارها در بنای اصلی خانه‌ها در کوهستان بیشتر از جلگه و در جلگه از کوهپایه بیشتر است. برای اثبات این فرضیه به صورت کمی مساحت طبقات و فضاهای اصلی به تفکیک در خانه‌های بومی مورد مطالعه (۱۵ مورد) جداگانه از روی نقشه‌ها محاسبه گردیده و در جدول ۸ گردآوری شدند که با تطبیق مقادیر میانگین این متغیرها در خرده اقلیم‌های منطقه، نتایج فوق بدست می‌آید.

نتیجه‌گیری

منطقه تالش، شامل سرزمین‌های جنوب غربی دریای کاسپین و شامل سه حوزه جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی بر اساس عوامل محیطی است که با توجه نوع معیشت ساکنان در هر خرده اقلیم و تطبیق الگوهای سکونت در محوطه و بنای اصلی خانه‌های بومی گزینش شده به صورت کمی و کیفی، نتایج ذیل، سلسله مراتب تاثیر محیط و معیشت را بر شکل خانه نشان می‌دهند: در جلگه، معیار اصلی ساخت بنا کاهش رطوبت است بر خلاف کوهپایه و کوهستان که فقط حفظ حرارت در زمستان (حجم بسته) عامل اساسی است بنابراین در جلگه بیشتر گسترش بنا در سطح و یا در ارتفاع بصورت نیم طبقه است و بصورت محدود گسترش در ارتفاع تا یک طبقه مشاهده می‌شود (خانه موسوی)، تنوع فضاها، ایوان و تالار باز، فضاهای متخلخل در لایه بیرونی برای نفوذ هوا به داخل و محوطه گسترده از دیگر ویژگی‌های آن است اما در کوهپایه و کوهستان گسترش هم در سطح و ارتفاع (یک طبقه یا دو طبقه) است و ایوان در طبقه همکف نسبت به منطقه جلگه بیشتر بصورت بسته است.

در مناطق کوهستانی با توجه به نوع معیشت که بیشتر دامداری همراه با کوچ‌شانی است، دو نوع مسکن دائم و موقت شکل گرفته است که در مسکن دائم، نسبت فضای دامی بیشتر از فضای انسانی می‌باشد و ورودی‌های متفاوت با استفاده از شیب زمین برای انواع احشام (بزرگ و کوچک) متمایز از جلگه و کوهپایه برای طبقات در نظر گرفته شده است. در بیلاقات انواع کومه (پوری) و کلبه با ساختار موقت شکل گرفته‌اند که در آن‌ها تمامی فضاهای انسانی و دامی در یک سطح با مرز بندی مشخص قرار دارند. تعداد فضاهای خدماتی بیرون از بنای اصلی در حوزه کوهپایه به ترتیب بیشتر از جلگه و کوهستان ولی گستردگی و مساحت آن‌ها در محوطه خانه‌های جلگه بیشتر از کوهپایه و کوهستان است بطوریکه در کوهستان تمرکز این فضاها اکثراً در بنای اصلی است. میانگین مساحت طبقه همکف به مساحت کل بنای اصلی در خانه‌های حوزه جلگه به ترتیب بیشتر از کوهستان و کوهپایه ولی میانگین مساحت ایوان در همکف و فضاهای طبقه اول و بالاتر در جلگه به ترتیب بیشتر از کوهپایه و کوهستان و میانگین مساحت فضاهای دامی و انبارها در بنای اصلی خانه‌ها در کوهستان به ترتیب از جلگه و کوهپایه بیشتر است.

References

- Abdel-Azim, G., & Abdul-Aziz Osman, K. (2018). The importance of cultural dimensions in the design process of the vernacular societies. *Ain Shams Engineering Journal*. 9 (4), 2755–2765.
- Abdoli, A., (2014). *Talesh History*. (2th Ed.). Tehran: Jameenegar Publication. (In Persian)
- Bazin, M., & Bromberger, C. (1981). *Gilan and East Azarbaijan Anthropological maps and documents*. (3th Ed.). Paris: A-D-P-F Publication.

- Bazin, M., (2015). *TALESH, Ethnic Area in Northern Iran*. Translated by: Farshchian, M., (2th Ed.). Tehran: Jameenegar Publication. (In Persian)
- Bromberger, C. (1991). *Housing and architecture in the rural community of Gilan*. Translated by: Goosheh gir, A., (1nd Ed.). Tehran: Institute for Cultural Studies and Research. (In Persian)
- EMADI, M. I., GHASEMI, M., OSIVAND, S., & ROUDI, F. (2013). Sustainable Architecture Analyses of Stepped Village, Case study: Masouleh, Iran. *Recent Advances in Energy, Environment and Development*. ISBN: 978-1-61804-157-9, 152-157.
- Gorji Mahlebani, Y., & Daneshvar, K. (2010). Climate Impact on the Formation of Traditional Guilan Architecture Elements. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, (4), 135-145. (In Persian)
- Guilan Rural Heritage Museum. <http://www.gecomuseum.com/LandingPage.aspx>
- Hashemnejad, H., & Molanaei, S. (2008). Architecture with looking at the sky. *Journal HONAR-HA-YE-ZIBA-Memari- Va- Shahrsazi*. (36), 17-26. (In Persian)
- Khakpour, M. (2005). Vernacular housing in rural communities of Guilan. *Journal HONAR-HA-YE-ZIBA-Memari- Va- Shahrsazi*. (22), 63-72. (In Persian)
- Khakpour, M. (2006). Construction of Shikiley Houses in Gilan. *Journal HONAR-HA-YE-ZIBA-Memari- Va- Shahrsazi*. (25), 45-54. (In Persian)
- Khakpour, M. (2011). *The Architecture of Guilan's houses*. (2th Ed.). Rasht: Farhange eilia Publication. (In Persian)
- Khakpour, M. (2012). *The effect of socio-cultural factors on the formation of rural vernacular housing in Gilan (with emphasis on the role of women)*. Ph.D. Thesis, Tarbiat Modarres University. Tehran, IRAN.
- Mahdavi pour, H., & Jafari, A. (2012). The status of knowledge and vernacular craft in today's architecture education. *Journal of Housing and Rural Environment*, (137), 17-36. (In Persian)
- Memarian, G. (2007). *An introduction to Iranian residential buildings (extrovert typologies)* (4th Ed.). Tehran: Soroush Danesh Publication. (In Persian)
- Mohammadi Mazraeh, H., & Pazhouhanfar, M. (2018). Effects of vernacular architecture structure on urban sustainability case study: Qeshm Island, Iran. *Frontiers of Architectural Research*. (7), 11-24.
- Molaei Hashjin, N., & Hoseinnejad, M. (2012). The role of traditional houses in lowland and mountainous regions in the sustainable development of West villages of Mazandaran (Ramsar-Tonekabon). *Geographical landscape (human studies)*. 18 (7), 1-17. (In Persian)
- Oikonomou, A., & Bougiatioti, F. (2011). Architectural structure and environmental performance of the traditional buildings in Florina, NW Greece. *Building and Environment*. , 669-689.
- Pirzad, A., & Riahi Moghaddam, S. (2017). A Survey for Relationship between Ecological Rural Architecture and Rural Economic (In Moderate-Humid Regions and Hot-Dry Areas). *Two Quarterly The Arts of Caspian Arae*. 1 (1), 23-41. (In Persian)
- Pour lomer, H., (2014). Typology of Traditional Houses in Talesh (Case Study: Khalehsara Village). *Quarterly Journal of Housing and Rural Environment*, (147), 117-131. (In Persian)
- Rabovbi, M. (1986). *Vernacular architecture and its application, Understanding yesterday for today and tomorrow's architecture*. (2nd Ed.). Tehran: FAZA cultural Institute. (In Persian)
- Raheb, GH. (2014). Typology of housing formation zones in Iranian rural settlements in interaction with environmental factors. *Journal HONAR-HA-YE-ZIBA-Memari- Va- Shahrsazi*. (4), 87-100. (In Persian)
- Salimi Moaiied, S. (2015). Anthropology of Marian's Temporary Houses and its Neighboring Villages, Case Study: Pori. *Quarterly Asar*. 36 (68), 15-38. (In Persian)
- Saljoughinejad, S., & Sharifabad, S. R. (2015). Classification of climatic strategies, used in Iranian vernacular residences based on spatial constituent elements. *Building and Environment*, 475-493.
- Soltanzadeh, H., (2011). The role of geography in the formation of types of courtyards in traditional Iranian houses. *Journal of Human Geography Research*. (75), 69-86. (In Persian)

- Soltanzadeh, H., (2014). The role of geography and culture in the formation of roofing in residential units. *Journal of Human Geography Research* .2 (46), 449–464. (In Persian)
- Sozen, M. S., & Gedik, G. Z. (2007). Evaluation of traditional architecture in terms of building physics: old Diyarbakir houses. *Building and Environment*, 1810-1816.
- Talebi Rostami, H. (2012). *Light, Wind and Shadows Fragile Vernacular Architecture in Imamzadeh Ibrahim, Shaft, Iran*. A report submitted for the degree of post professional Master of Architecture, McGill University. Montreal, CANADA.
- Taleghani, M. (2010a). *Mousavi House, Guilan rural architecture heritage*. (1th Ed.). Tehran: Matn Artwork Publisher. (In Persian)
- Taleghani, M. (2010b). *Mohtashem Talab House, Guilan rural architecture heritage*. (1th Ed.). Tehran: Matn Artwork Publisher. (In Persian)
- Taleghani, M. (2011a). *Mousa Zadeh House, Guilan rural architecture heritage*. (1th Ed.). Tehran: Matn Artwork Publisher. (In Persian)
- Taleghani, M., (2011b). *Tarbi House, Guilan rural architecture heritage*. (1th Ed.). Tehran: Matn Artwork Publisher. (In Persian)
- Varmaghani, H., & Soltanzadeh, H. (2016). Role of Gender and Livelihoods in Home Formation (Comparison of Qajar Houses in Gilan and Bushehr). *Armanshahr Architecture & Urban Development*, (23), 123–134. (In Persian)
- Varmaghani, H., & Soltanzadeh, H., & Dehbashi Sharif, M. (2015). Comparative study of vernacular housing in Gilan and Mazandaran based on human geographic factors. *Quarterly Journal New Attitudes in Human Geography*, 7 (2) , 107–206. (In Persian)
- Vissilia, A-M., (2009). Evaluation of Greek vernacular settlement and its landscape: architectural typology and building physics. *Building and Environment*, 1095-1106.
- Zayyari, K., (2010). Comparative evaluation of the governing patterns of rural settlements in the west and south of Country (Khorramabad and Bandar Abbas). *Quarterly Journal Zagros Geographic Landscape*, 2 (3), 79–91. (In Persian)
- Zolfagharzadeh, H., & Hesari, H. (2014). Ecological Theory to Habitat Architecture. *Quarterly Journal of Housing and Rural Environment*, (145), 29–44. (In Persian)